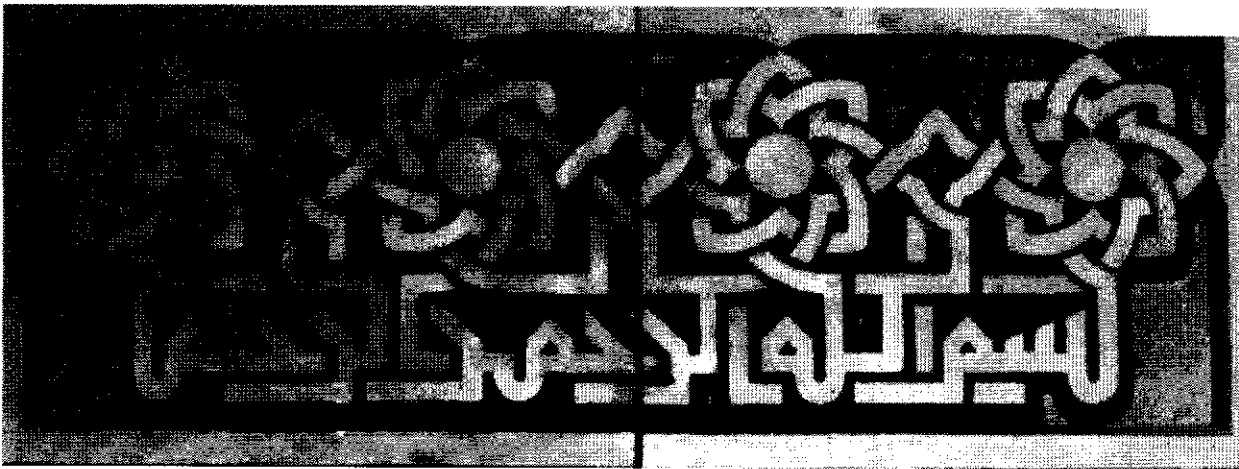


جایگاه و منزلت قرآن کریم در کلام اسلامی

دکتر سید ذبیح الله جوادی

یکی از منابع مهم اندیشه‌های فلسفی و کلامی متفکران اسلامی، قرآن کریم است و از نظر شناخت‌شناسی، یکی از منابع مهم شناخت مبانی اعتقادی اسلامی است و می‌توان گفت که بسیاری از اندیشه‌های کلامی به خصوص در قرن اول هجری، منبعث از قرآن بوده است. نویسندگان این تحقیق قصد دارد نگرش‌های کلامی قرآن کریم را مورد تجزیه و تحلیل قرآنی قرار دهد تا مشخص شود که قرآن کریم در برخورد با مسائل کلامی از قبیل اثبات وجود باری تعالی، توحید ذاتی و صفاتی و افعالی او، نبوت عامه و خاصه، قضا و قدر، جبر و اختیار، معاد جسمانی و روحانی، امامت و ولایت، عدل الهی، معیار حسن و قبح و مبانی اخلاقی چه می‌گوید و در واقع می‌خواهیم مسائل اعتقادی را فقط از دید قرآن مورد مطالعه قرار دهیم و می‌خواهیم به این نتیجه برسیم که آیا تنها با توسل به قرآن کریم می‌توان به مسائل اعتقادی ورد و ایراداتی که به دین و مبانی آن می‌شود، پاسخ داد یا خیر و اگر می‌شود چگونه. از این جهت می‌خواهیم نخست بررسی کنیم که خدای در خود قرآن، قرآن را به چه نام‌هایی می‌خواند و از نظر معرفت‌شناختی چه ارزشی برای آن قائل است.



نام‌های قرآن کریم

حکیم صدرالمتألهین رحمت‌الله و رضوانه علیه در جزء دوم از سفر سوم اسفار اربعه در فصلی تحت عنوان «فی ذکر القاب القرآن و نعوته» چنین می‌نویسد:

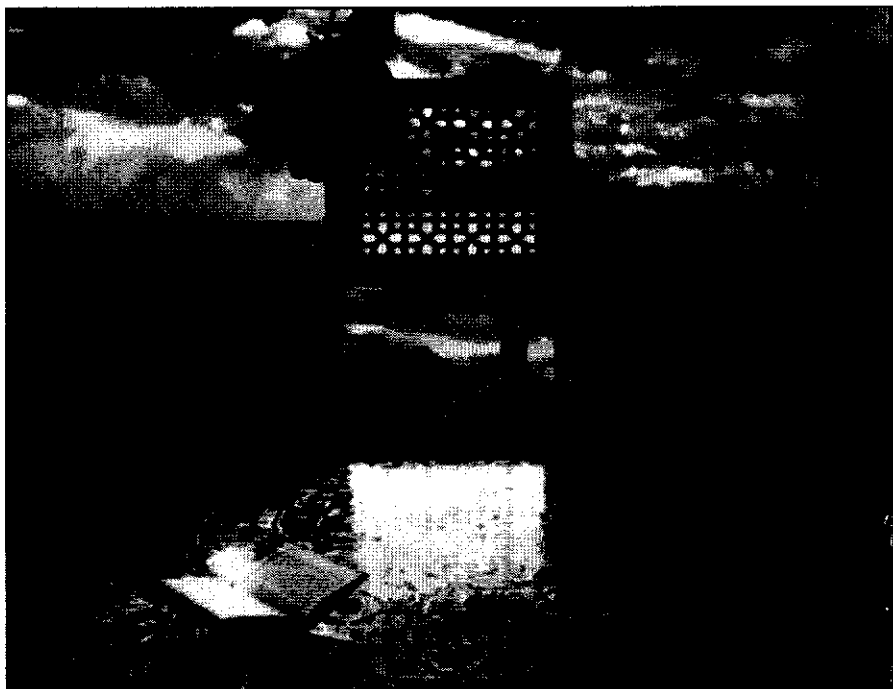
وقتی که فرق میان کلام خدا و کتاب او را دانستی که از جهتی تفاوت این دو مثل تفاوت امر و فعل است که فعل خدا زمانی و دگرگونی و تحول‌پذیر است و امر خدا بری از تغییر و تجدد می‌باشد و نیز دانستی که کتاب خدا به چه تعبیری قرآن و به چه تعبیری فرقان است که قرآن بسیط و فرقان مرکب است، بنابراین قرآن چهار لقب پیدا می‌کند: کلام، کتاب، قرآن و فرقان...

بدان که از جمله اسماء و نعوت قرآن نور است برای اینکه قرآن یکی نور عقلی است که به وسیله احوال میداء و معاد روشن می‌گردد و حقایق اشیاء به واسطه آن در دید ما قرار می‌گیرند و در ظلمات صحرای اجسام و دریای نفوس ما را هدایت می‌کند و به سالکان طریق آخرت راه بهشت و دوزخ را می‌نمایاند که خود می‌فرماید: قد جئکم من الله نور و کتاب مبین یهدی به الله من اتبع

رضوانه سبیل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور باذنه و یهدیه الی صراط مستقیم^(۱). نور در این آیه کریمه اشاره به مرتبه عقل قرآن بسیط است که به قلم الهی تعبیر می‌شود و کتاب اشاره به مرتبه علم تفصیلی ثبت شده در لوح محفوظ دارد و در اشاره به این دو مرتبه است که در قرآن می‌خوانیم که «واتیناه الحکمة و فصل الخطاب»^(۲) حکمت به معنای قرآن و تفصیل کار کتاب است که فرمود:

او من کان میتافحیینه و جعلنا له نوراً بمشی به فی الناس کمین مثله فی الظلمات لیس بخارج منها.^(۳)

و از نام‌های قرآن کریم، یکی حکمت است و حکمت بهترین علم است که به بهترین معلوم تعلق می‌گیرد و در حقیقت حکیمی جز خدای متعال وجود ندارد از این رو گفته‌اند که حکمت یک موهبت خدایی است که به سعی و کوشش به دست نمی‌آید و کسی متصف به این صفت نشود، مگر که از جامعه بشر بودن مجرد شود و لباس این هستی‌عاریتی را با زهد حقیقی و فنا کردن مفاسد اخلاقی از تن بیرون کند که خدای متعال بعد از «یعلمهم الکتاب و الحکمة» می‌فرماید:



قرآن یکی نور عقلی است که به وسیله احوال مبدء و معاد روشن می شود و حقایق اشیاء به واسطه آن در دیدما قرار می گیرد و در ظلمات صحرای اجسام و دریای نفوس ما را هدایت می کند و به سالکان طریق آخرت راه بهشت و دوزخ را می نمایاند

که صاحب حکمت است، زیرا چنانکه قبلاً گفتیم دارای مقام عقلی قائم به ذات خود می باشد و مشتمل بر حقایق اشیاء به نحو بسیط و اجمالی است و چنانکه مشخص است عقل بالفعل بدو اعتبار هم عاقل است و هم عقل و همچنین در مورد حکیم و حکمت بودن باید گفت که قرآن حکمت است از جهت اینکه ذاتاً علم به حقایق موجودات است و حکیم است از این جهت، که در مقام عقلی علم قائم بالذات است و علم او صفت زاید نیست و او عالم به اشیاء است چنانکه هستند حکیم است چون صدق مشتق مقتضی عروض مبدأ اشتقاق نیست، یعنی مشتق و مبدأ اشتقاق یکی هستند که فرمود: **یس و القرآن الحکیم**^(۱۸) و انه فی ام الكتاب لدینا لعلی حکیم^(۱۹) و از نام های قرآن، ذوالذکر است و فرق میان ذکر و ذوالذکر اعتباری است. همانطور که فرق میان حکیم و حکمت که فرمود:

ص والقرآن ذی الذکر^(۲۰)

و از نام های قرآن، تنزیل است. زیرا خدای متعال قرآن را از مرتبه عقل اجمالی به مرتبه نفس تفصیلی نازل کرد. تنزیل من الرحمن الرحیم^(۲۱)

و از نام های دیگر، منزل است که فرمود: «والذین اتیناهم الكتاب یعلمون انه منزل من ربک بالحق»^(۲۲) و فرق میان تنزیل و منزل همان است که سابق گفته شد.

و از نام های آن، بشیر و نذیر است که فرمود: کتاب فضلت آیاته قرآناً عربیاً لقوم یعلمون بشیراً و نذیراً فاعرض اکثرهم فهم لایعلمون^(۲۳)

و از نام های آن، بشری است. فرق میان بشیر و بشری است که فرمود «هدی و بشری للمؤمنین» و فرق میان بشیر و بشری همان فرق میان هدی و هادی است.

و از نام های آن، مجید است «ق والقرآن المجید»^(۲۴)

و از نام های آن، عزیز است «و انه لکتاب عزیز»^(۲۵)

و از نام های آن، عظیم است «ولقد اتیناک سبعاً من المثانی و

ذلک فضل الله یتوبه من یشاء والله ذوالفضل العظیم»^(۲۶) و از نام های قرآن مجید خیرات است که می فرماید: «ومن یوت الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً»^(۲۷) یعنی به هر که حکمت دادند خیر بسیار به او عنایت کرده اند.

و از نام های آن روح است که «یلقی الروح من امره علی من یشاء من عباده لینذرن یوم التلاق»^(۲۸) او روح را از عالم امر خود به هر کس از بندگان که بخواهد القاء می کند تا او را از روز قیامت و رستاخیز بترساند و از نام های آن، حق است. زیرا قرآن ثابت و تغییرناپذیر و ابدی است و حق الامر یعنی ثبت و قرآن کلامی صادق و مطابق واقع است و شک و تردیدی در آن راه ندارد که فرمود:

و یری الذین اوتوا العلم الذی انزل الیک من ربک هو الحق^(۲۹) و آنهایی که بهره ای از علم به آنان داده شده می دانند که آنچه از جانب خداوند به تو نازل شده، حق است و نیز فرمود: قل نزله روح القدس من ربک بالحق لیثبت الذین آمنوا^(۳۰) درحقیقت روح القدس آن را از جانب خدا فرو آورد.

بل هو الحق من ربک لتنذر قوماً ما اتاهم من نذیر^(۳۱)

بلکه آن قرآن حق است که از جانب پروردگارت نازل شده تا بترسانی مردمی را که نذیری برای آنان نیامده است. و نیز فرمود: افمن یعلم انما انزل من ربک الحق کمن هو اعمی انما یتذکر اولوالالباب^(۳۲) آیا کسی که می داند که آنچه از جانب پروردگارت نازل شده، حق است مانند کسی است که کور است؟ این راه، فقط خردمندان می فهمند.

و یکی از نام های آن هدی است، چرا که قرآن به سوی حق راهنمایی می کند و به تعبیری هدی به معنای حق نیز می باشد «ذلک هدی الله یتوبه من یشاء من عباده»^(۳۳) آن قرآن هدایت خداست که به وسیله آن هر که را بخواهد هدایت می کند. و نیز «هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب»^(۳۴) هدایت پرهیزکاران است آنان که به غیب ایمان دارند.

از نام های قرآن، ذکر است، زیرا انسان به وسیله آن به امور آخرت و احوال مبدء و معاد متذکر می گردد که فرمود «انه لذکر لک و لقومک و سوف تستلون»^(۳۵) همانا آن قرآن برای تو و قومت ذکر است و به زودی شما مورد سؤال قرار خواهید گرفت.

دیگر از معانی و نام های قرآن، نباء عظیم است، زیرا قرآن از عالم غیب و دنیای مغیبات و اسرار و از نهان مانده های نفوس و از رازهای پنهان قلوب خبر می دهد «قل هو نبا عظیم انتم عنه معرضون»^(۳۶) و از نام های قرآن، شفاء است. چرا که قرآن بیماری های نفسانی و امراض باطنی و دردهای اخروی حاصل از عذاب جهل، حسد، کبر، عجب، ربا، نفاق، رعوت و به خود بالیدن، شهوات نفسانی، غضب، حب مال و ریاست و سایر امراض مهلکی که در قلب انسان متمکن و استوار می گردند به گونه ای که پزشکان نفوس از درمان آن دردها عاجز می مانند، درمان می کند که فرمود:

«قل هو للذین آمنوا هدی و شفاء والذین لایؤمنون فی آذانهم وقر و هو علیهم عمی اولئک ینادون من مکان بعید»^(۳۷)

و از نام های قرآن، رحمت است که فرمود:

و ما انزلنا علیک الكتاب الا لتبیین الذین اختلفوا فیه و هدی و مرحمة لقوم یؤمنون^(۳۸) و انه لهدی و رحمة للمؤمنین^(۳۹)

و از نام های قرآن مجید، علی حکیم است، اما علی است به خاطر این که حقیقتش از عالم علوی عقلی است و حکیم است از این جهت

می‌کند و اسرار دنیا و آخرت و احکام ربوبیت و عبودیت و احوال بندگان و اقسام آنها را در روز قیامت و بعث و حشر روشن می‌سازد که فرمود «تلك آیات القرآن و کتاب مبین»^(۲۰)

و از نامهای آن، میزان است. چرا که قرآن معیار درست و مقیاس صحیح است که اعمال سنگین و موازین علوم و افکار با آن سنجیده می‌شود و صحیح اعمال را از فاسد آنها مشخص می‌سازد و رایج اعمال انسان را از کاسد آن در بازار قیامت معرفی می‌نماید و حق را از باطل ممتاز می‌دارد که فرمود:

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط^(۲۱)

و نیز
والسما رفعها و وضع المیزان الا تطغوا فی المیزان^(۲۲)
و این‌گونه القاب و اسامی همه دلالت بر اهمیت و عظمت مسمی و موصوف خود دارند.

فرق میان کلام و کتاب خدا

تفاوت میان کلام و کتاب حق تعالی، همانند تفاوت میان بسط و مرکب است و گفته‌اند که کلام از عالم امر و کتاب از عالم خلق می‌باشد و کلام هنگامی که به صورت محدود و مشخص در آید، کتاب می‌شود. چنانکه وقتی امر، محدود شود، به صورت فعل درمی‌آید.

پس تفاوت میان کلام و کتاب از جهتی مثل تفاوت امر و فعل است و می‌دانیم که فعل زمانی و معروض صیوروت و تغییر است ولی امر از تغییر و تجدد بری می‌باشد. و کلام قابل نسخ نیست. به خلاف کتاب که معروض تغییر واقع می‌گردد «یوحو الله ما یشاء و یشیت و عنده ام الکتاب»^(۲۳) پس صحیفه و دفتر هستی عالم فعلی خلقی، همان کتاب خدا و اعیان موجودات عالم، آیات الهی می‌باشند آن فی اختلاف اللیل والنهار و ما خلق الله فی السموات و الارض لآیات لقوم یتقون^(۲۴) آنچه که بر بیشتر پیامبران عظام نازل می‌شده، کتاب بوده است نه کلام و این قرآن شریف که بر پیامبر ما(ص) نازل شده به دو اعتبار هم کلام است و هم کتاب. اما کتاب‌هایی که بر دیگر انبیا نازل شده‌اند کلام نبوده، بلکه به صورت کتاب‌هایی بوده‌اند که آن‌ها را تدریس کرده و به دست می‌نوشته‌اند. پس آنچه که به عنوان کلام خدا نازل می‌شود نوری از انوار معنوی الهی است که از سوی خدا به قلب هر بنده محرمی که او بخواهد نازل می‌گردد. چنانکه آیات کریمه «و انک لتلقى القرآن من لدن حکیم علیم»^(۲۵) «ولکن جعلناه نوراً نهدی به من نشاء من عبادنا»^(۲۶) «نزله علی قلبک باذن الله»^(۲۷) اشاره به همین معنی است.

قرآن به عنوان کتاب شامل نقوش و صور و الفاظی است که حاوی آیات و احکامی می‌باشند که از آسمان همانند ستارگان بر صحایف و دفاتر قلوب تسبیح‌گویان و الواح نفوس طالبان حق فرود می‌آیند و دیگران آن‌ها را در کتب و دفترهای خود می‌نویسند و تلاوت‌کنندگان آنها را تلاوت می‌کنند و خوانندگان آنها را قرائت می‌نمایند و هر گوینده آنها را بر زبان می‌راند و مردم با آنها راهنمایی شده و به احکام آن عمل می‌کنند و در کسب هدایت از آن آیات، عوام و خواص و پیامبران با یکدیگر متساوی می‌باشند؛ چه خدای تعالی در این باب می‌فرماید:
هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان^(۲۸) و انزل التوریه و الانجیل من قبل هدی للناس^(۲۹) و عندهم التوریه هدی قیها حکم



القرآن العظیم»^(۲۶)

و از نام‌های آن، موعظه حسنه است که فرمود «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظه الحسنه»^(۲۷)
و از نام‌های آن، نعمت است، چرا که اهل اله از آن متعمم می‌شوند و لذت می‌برند که آن لذت خیلی بالاتر از لذات حس دنیوی است و نسبتی بین نعمت دنیا و نعمت آخرت نیست، بلکه این لذت‌های حسی نسبت به لذت معرفت و حکمت، دردند که در موقع خود بیان خواهیم کرد. در آیه کریمه «یعرفون نعمة الله ثم ینکرونها و اکثرهم الکافرون»^(۲۸) یعرفون یعنی اجمالاً حقیقت آن را تصدیق می‌کنند و اگر معرفت حقیقی داشتند که نعمت‌های ابدی را فائز می‌شدند و از اهل انکار نمی‌بودند و از این رو آنها را به کفر وصف کرده است.
و از نام‌های آن، رزق است که فرمود «و رزق ربک خیر و ابقی»^(۲۹)
و از نام‌های قرآن، مبین است که حقایق موجودات را تبیین

از نام‌های قرآن کریم، یکی حکمت است و حکمت بهترین معلوم تعلق می‌گیرد و در حقیقت حکیمی جز خدای متعال وجود ندارد

اما قرآن کریم مشتمل بر گروهی از اهل الله و خاصان درگاه الهی بدانها دسترسی ندارند و آن امور باطنی مهم را ادراک نتوانند کرد «و علمک مالم تکن تعلم و کان فضل الله علیک عظیماً»^(۳۱) و نیز مشتمل بر اخلاق الهی است که رسول خدا به آن اخلاق آراسته و متخلق می‌باشد.

«و انک لعلی خلق عظیم»^(۳۲) و نقل شده که خلق پیامبر خدا همان قرآن است و آیه شریفه «هو الذی ینزل علی عبده آیات بینات لیخرجکم من الظلمات الی النور»^(۳۳) بر این معنی دلالت دارد.



حکیم صدرالمتالهین در کتاب شریف «اسرار الایات وانوار البینات» تحت عنوان

کشف دقیق می‌نویسد: «بدان که یک چیز ممکن است به اعتباری کتاب و به اعتبار دیگر کلام باشد چرا که دانستی که امر به صورت کلام و فعل به صورت کتابت است و آنچه که قائم به متکلم باشد و از او صادر شود کتاب محسوب می‌گردد. بنابراین چون انسان از نظر تن و جان و نفس و بدن دارای درجات و مراتبی می‌باشد، در هر مقام و مرتبه‌ای که قرار گرفته باشد، از هویت و شخصیت انسانی بیرون نیست و هنگامی که انسان الفاظ و حروفی را که شنیده می‌شود، تکلم می‌کند اگر این الفاظ و حروف به خود او نسبت داده شوند، کتاب و فعل او محسوب می‌گردند زیرا از او صادر شده‌اند و آنها را در لوح هوا و در مخارج حروف که در اعضای بدن او قرار دارند می‌نویسد و هنگامی که این تکلم شخص به بدن او نسبت داده می‌شود، کلام خواهد بود که قائم به شخص او است نه کتابی که از او صادر شده باشد. همچنین اگر گفته و حدیثی را به عقل مجردی که آن حدیث از او صادر شده نسبت دهیم، آن گفته را کتاب می‌گوییم و اگر آن را صفت نفس دانسته و آن را قائم به نفس و صفت آن بشماریم، در این صورت آن گفته کلام خواهد بود. پس آن حدیث برای عقل، کتاب و برای نفس، کلام است.

در مورد نوشتن معمولی نیز وضع چنین است. وقتی کلامی را در دفتر یا کتابی می‌نویسیم، دو حالت در آن متصور است. یکی حالت صدور از کاتب و دیگر حالت قیام به او و اگر در آنچه گفته شد، دقت و تأمل کافی به عمل آید، نزاع و اختلاف بین دو گروه از میان خواهد رفت.»

چگونگی نزول قرآن بر قلب پیامبر اسلام (ص)

کیفیت نزول کلام خدا بر قلب پیامبر مکرم اسلام (ص) و نزول کتب آسمانی بر انبیای دیگر متفاوت بوده است. زیرا قرآن به استناد آیه کریمه بر قلب نازنین پیامبر ما (ص) نازل شد و آیات قرآن همانند

انوار و پرتوهایی در باطن جان او تابیده شدند و انزال و تنزیل قرآن به صورت الفاظ قابل شنیدن و نوشتن که بر دفاتر بنویسند و قاریان آنها را بخوانند و مستمعین آنها را بشنوند نبوده بلکه به صورت حقیقت ناب بر قلب رسول اکرم (ص) نازل گشته که فرمود: «بالحق انزلنا و بالحق نزل»^(۳۴) معنای آیه کریمه بالا این است که ای پیامبر تو با فهم و درایت خود نوشته‌های کتب علمی را درک نکرده و ایمان را از معلم دیگری غیر از خداوند متعال نیاموخته‌ای، بلکه خدای سبحان قلب تو را به صورت نور عقلی درآورده تا با آن حقایق اشیاء را دریافته و به اسرار ملک و ملکوت آسمانها و زمین واقف گشته‌ای و نیز ما کتب تتلوا من قبله من کتاب و لاتخطه

بیمینک اذ لا رتاب المیطلون بل هو آیات بینات فی صدور الذین یعلمون...^(۳۵) از منابع قرآنی و تفاسیر آیات اعتقادی قرآن مجید برمی‌آید که تعلیم قرآن از جانب حق تعالی با تجلی نور حکمت که همان حقیقت کلام و نور ایمان است صورت گرفته است.

پانویست ها :

- ۱ - مائده / ۱۵ و ۱۶ : همانا از جانب خدا برای هدایت شما نوری عظیم (و رسولی بزرگ) و کتابی (چون قرآن) به حقانیت آشکار آمد خدا بدان کتاب هر کس را که از پی رضا و خشنودی او راه سلامت جوید، هدایت کند و او را از تاریکی جهل و گناه بیرون آرد و به عالم نور داخل گرداند و به راه راست (سعادت) وی را رهبری کند
- ۲ - ص / ۲۰ : و به او قوه درک حقایق و تمیز حق از باطل عطا کردیم.
- ۳ - انعام / ۱۲۲ : آیا کسی که مرده (جهل و ضلالت) بود ما او را زنده کردیم و به او روشنی علم و دیانت دادیم که با او روشنی میان مردم سرافراز رود مثل او مانند کسی است که در تاریکیها (ی جهل و گمراهی) فرو شده و از آن بدر نتوان گشت.
- ۴ - حدید / ۲۱ : این فضل خداست که به هر کس خواهد عطا می‌کند و فضل و کرم خدا بسیار عظیم است.
- ۵ - بقره / ۲۶۹ و هر کس را به حکمت و دانش رساند درباره او مرحمت و عنایت بسیار فرموده.
- ۶ - غافر / ۱۵ : روح (همان فرشته جانبخش) را به امر خود به هر که از بندگان بخواهد می‌فرستد تا (آن بنده مقام نبوت یابد و) خلق را از روز قیامت (وقت ملاقات ثواب و عقاب) بترساند.
- ۷ - سباء / ۶ : و آنانکه اهل دانش و معرفت گردیدند (یعنی مؤمنان و نیکان اهل کتاب) یقین داشتند که قرآنی که بر تو نازل شده از جانب پروردگار تو (برای هدایت خلق) به حق نازل گردیده است.

تفاوت میان کلام و کتاب حق تعالی، همانند تفاوت میان بسیط و مرکب است و گفته‌اند که کلام از عالم امر و کتاب از عالم خلق است و کلام هنگامی که به صورت محدود و مشخص در آید، کتاب می‌شود. چنانکه وقتی امر، محدود شود، به صورت فعل درمی‌آید.

قرآن از عالم غیب
و دنیای مقیبات و اسرار
و از نهان مانده های نفوس
و از رازهای پنهان قلوب
خبر می دهد

۸- نحل / ۱۰۱: تو ای رسول ما به کافران بگو که این آیات را روح القدس از جانب پروردگار من به حقیقت و راستی نازل کرد تا اهل ایمان را در راه خدا ثابت قدم گرداند

۹- سجده / ۳: آن (قرآن) به حق و راستی از جانب خدا فرستاده شده تا بر قومی که رسولی پیش از تو به سوی آن نیامده رسالت کنی و از معصیت خدا بترسانی.

۱۰- رعد / ۱۹: آیا مسلمانی که به یقین می داند که این قرآن به حق از جانب خدا بر تو نازل شده است (و از آن کسب علم و حکمت و سعادت می کند) مقامش نزد حق با کافر نابینای جاهل یکسان است؟ (هرگز یکسان نیست) و تنها عاقلان متذکر این حقیقت اند.

۱۱- انعام / ۸۸: این است رهنمایی خدا که به آن هر یک از بندگان را می خواهد هدایت می کند.

۱۲- بقره / ۲ و ۳: راهنمای پرهیزگاران است آن کسانی که به جهان غیب ایمان آرند.

۱۳- زخرف / ۴۴: و قرآن برای تو و قوم شرف و نام بلندی است و البته شما امت را باز می پرسند.

۱۴- ص / ۶۷ و ۶۸: بگو ای پیغمبر آن (حکایت که از قیامت و اهل بهشت و دوزخ برای شما آوردم آن) خبر بزرگ عالم است. (و درینجا که) شما از شنیدن آن خبر بزرگ اعراض می کنید (و مهبای سفر آخرت تا دم مرگ نمی شوید).

۱۵- فصلت / ۴۴: و اما آنان که ایمان نمی آورند گوشه یاشان (از شنیدن کلام حق) گران است بر آنها موجب کوری جهل و ضلالت است و آن مردم (نادان) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می شوند.

۱۶- نحل / ۶۴: و ما این قرآن بزرگ را بر تو نفرستادیم، مگر برای اینکه حقیقت را در آنچه (از توحید خدا و معاد و رسالت و غیره) مردم اختلاف می کنند روشن کنی و برای اهل ایمان هدایت و رحمت باشی.

۱۷- نحل / ۷۷: و هم این کتاب خدا برای اهل ایمان هدایت و رحمت کامل است.

۱۸- یس / ۱ و ۲: یس (ای سید رسولان و ای کامل ترین انسان) قسم به قرآن حکمت بیان.

۱۹- زخرف / ۴: و همانا این کتاب نزد ما در لوح محفوظ که اصل مخزن کتب آسمانی است، بسی بلند پایه و محکم اساس است.

۲۰- ص (رمز خدا و رسول است یا اشاره است به صمد و صلی و صادق از اسماء الهی یا به صفی و مصطفی که القاب پیغمبر است) قسم به قرآن و صاحب مقام ذکر (و عزت و شرافت و) پندآموز عالمیان.

۲۱- فصلت / ۲: (که این قرآن) تنزیلی از جانب خدای بخشنده مهربان است.

۲۲- انعام / ۱۱۴: و آنانکه به آنها کتاب فرستاده ایم (یهود و نصاری) می دانند (و در کتاب تورات و انجیل خودشان خوانده اند) که این قرآن از خدای تو بر تو به حق فرستاده شده.

۲۳- فصلت / ۳ و ۴: کتابی است که آیات جامعش (حقایق و احکام الهی را) به زبان فصیح عربی برای دانشمندان مبین ساخته است، قرآنی است که نیکان را (به وعده رحمت حق) بشارت می دهد و بدان را (از عذاب قهر) می ترساند، اما اکثر مردم اعراضی کرده و اندرز و نصیحتش نمی شنوند.

۲۴- ق / ۱: ق (قسم به قدس و قدرت) و قسم به قرآن با مجد و عظمت.

۲۵- فصلت / ۴۱: در صورتیکه این کتاب به حقیقت همان صاحب عزت (و معجز بزرگ) است.

۲۶- حجر / ۸۷: ای محمد همانا هفت آیت با ثنا و دعا (که قسمت بین خدا و عبد شده و در هر نماز دوباره خواند می شود یعنی سوره حمد) و این قرآن با عظمت را بر تو فرستادیم.

۲۷- نحل / ۱۲۵: (ای رسول ما) خلق را به حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خداوند دعوت کن.

۲۸- نحل / ۸۳: (این مردم خودخواه و لجوج) نعمت خدا را دانسته و شناخته باز انکار می کنند و اکثر اینان کافر خدا و نعمتش می باشند.

۲۹- طه / ۱۳۱: و رزق خدای تو بسیار بهتر و پاینده تر است.

۳۰- النمل / ۱: این آیات قرآن بزرگ و کتاب هویدای خداست.

۳۱- حدید / ۲۵: همانا ما پیمبران خود را با ادله و معجزه (به خلق) فرستادیم و برایشان کتاب و میزان و عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند.

۳۲- رحمن / ۷ و ۸: آسمان را او کافی رفیع گردانید و میزان (عدل و نظم) را در عالم وضع فرمود و حکم کرد که ای بندگان هرگز در میزان عدل (و احکام شرع من) تعدی و نافرمانی نکنید.

۳۳- رعد / ۳۹: خدا هر چه خواهد محو و هر چه را خواهد اثبات می کند و اصل کتاب مشیت اوست.

۳۴- یونس / ۶: به حقیقت در رفت و آمد شب و روز، بلکه در هر چیزی که خدا در آسمانها و زمین خلق فرموده، برای اهل تقوی علامت و نشانه های قدرت خدا پدیدار است.

۳۵- نمل / ۶: و ای رسول آیات قرآن عظیم از جانب خدای دانای حکیم به وحی بر تو القا می شود.

۳۶- شوری / ۵۲: ولیکن ما آن کتاب و شرع را نور (وحی و معرفت) گردانیدیم که هر کس از بندگان خود را بخواهیم به آن نور هدایت می کنیم.

۳۷- بقره / ۹۷: او به فرمان خدا قرآن را به قلب پاک تو رسانید.

۳۸- بقره / ۱۸۵: (قرآن) برای هدایت بشر و برای راهنمایی و امتیاز حق از باطل نازل شده است.

۳۹- آل عمران / ۳ و ۴: کتاب تورات و انجیل را فرستاد برای هدایت مردم.

۴۰- مائده / ۴۳: در صورتی که تورات نزد آنهاست و در آن حکم خدا (راجع به جسم و غیر آن) مذکور است و از آن روی گردانیده اند.

۴۱- نساء / ۱۱۳: و آنچه را که نمی دانستی تو را بیاموخت که خدا را با تو لطف عظیم و عنایت بی اندازه است.

۴۲- قلم / ۴: و درحقیقت تو بر نیکو خلقی عظیم (و آئین شرعی بزرگ) آراسته ای.

۴۳- حدید / ۹: اوست خدایی که بر بنده خود (محمد مصطفی ص) آیات قرآن روشن بیان را نازل کرد تا شما بندگان را از ظلمات (جهل و عصیان) بیرون آورد و به نور (علم و ایمان) رهبری کند.

۴۴- الاسری / ۱۰۵: و ما این آیات را به حق فرستادیم و برای اقامه حق و راستی نازل شد.

۴۵- عنکبوت / ۴۸ و ۴۹: و تو از این پیش نه توانستی کتابی خواند و نه خطی نگاشت تا مبادا مبطلان (منکر قرآن) در نبوت شک و ریبی کنند (و گویند این کتاب به وحی خدا نیست و خود از روی کتب سابقین جمع و تالیف کرده است) بلکه این قرآن آیات روشن الهی است در لوح سینه آنان که از خدا نور علم و دانش یافتند.